

# یک همت تا هزار میلیاردی شدن سینما

صفحه ۱۳



روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران  
سدی بهرگان نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید از مضمون:  
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۳۷۲۲  
شبه ۲۰ آبان ۱۴۰۲  
۲۶ ریلکشی ۱۳۵۵  
۱۱ نوامبر ۲۰۲۳  
شماره ۲۰۰۴

www.fdn.ir | Sat | 11 Nov 2023 | vol.15 | No. 4004 | 16 Pages

با کدام «ماجراجویی» خیالی مرزبندی می‌کنید؟

گریه اصلاح‌طلبان رادیکال

بالاسر قبر خالی

در آستانه نشست سران کشورهای اسلامی در ریاض موضع تهران تشدید فشار به صهیونیست‌ها  
برای توقف کشتار در غزه و حمایت از حق مشروع فلسطینی‌ها برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی است

# بازدارندگی با ایده ایران

۸۹۲



صفریاران پور، کارگردان «کاپیتان من» از چالش‌های ترویج علم در ایران می‌گوید

## در آستانه انقراض ژورنال‌یسم علم هستیم

۴،۵

ماجرای سحرقریشی، خانواده هادی و...: کار فرهنگ شهرت به جاهای باریک رسیده است

## من رو ببینید تا پول در بیارم

۷

راه اندازی گشت ارشاد کتاب بعد از ۱۰ کارگروه فیلتر ارشاد بی‌معنی است

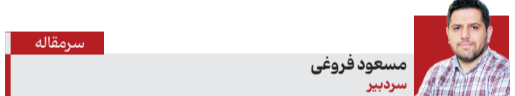
## الو همیزی؟!

۱۲



درباره پختن نان سیاسی با تنور گرم فلسطین

# روی موشک‌ها فدایت شوم نمی‌نویسند



مسعود فروغی  
سردبیر

سرمقاله

پنج هفته بعد از شوک ۷ اکتبر به اسرائیل، وضعیت منطقه از نظر امنیتی ناپایدار است و تمرکز سیاسی فوق‌العاده لابی‌روی تحولات سرزمین‌های اشغالی باقی مانده. در این مدت هیچ مسأله‌ای مثل نفوذ نیروهای مقاومت فلسطینی به جنوب اسرائیل و حملات خون‌بار صهیونیست‌ها به غزه توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب نکرده، آن‌طور که تجمع‌های بسیار بزرگ در شهرهای اصلی آمریکا و اروپا علیه اسرائیل با وجود محدودیت‌های موجود صهیونیست‌ها را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده؛ برای نمونه موضع نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسبق صهیونیست‌ها که گفت «... به آمریکا سفر خواهد کرد چون وضع بین‌المللی ما اصلاً خوب نیست» شاید به روشنی همه چیز را نشان دهد. تجمع «دو میلیون نفری» در جاکارتا، تجمع‌های «چندصد هزار نفری» در لندن و واشنگتن بعد از حداقل ۲۲ سال سیاه‌نمایی و حشمت‌ناک علیه اسلام‌گرایی و خشم بدنه اجتماعی در جهان اسلام علیه آمریکا و اسرائیل، مسأله فلسطین را از نظر افکار عمومی جهان وارد مرحله تازه‌ای کرده است. احتمالاً عکس‌های تجمع بزرگ ضد صهیونیستی در استانبول را دیده‌اید، جمعیت زیاد و شعارهای تند علیه اسرائیل؛ مسأله‌ای که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. سال‌ها عادی‌سازی غصب سرزمین فلسطین در جهان، تغییرات سبک زندگی و زیست مردم در جهان اسلام، تغییر نسل و سرکوب واقعیت با ادبیات شکاف نسلی و تمرکز غرب روی اقتصاد کشورهایایی که علیه این عادی‌سازی ایستادگی کردند، دلایلی منطقی بود تا کسی برای ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۳ میلادی چنین وضعیتی را متصور نشود.

در ایران هم بازتاب واقعه ۷ اکتبر هم از نظر سنجش واقعیت کنونی مهم است و هم از نظر فهم آینده. گویی می‌توان نارسایی فهم گروه‌های سیاسی از جامعه و عقب‌ماندن آنها از تحولات را در همین مسأله اخیر فلسطین درک کرد و برای آنچه نداریم و باید داشته باشیم چاره‌ای اندیشید. بر این اساس چند نکته زیر قابل دسته‌بندی است:

**اول.** عملیات طوفان الاقصی در صبح روز ۷ اکتبر همسویی کم‌سابقه‌ای در ایران ایجاد کرد. تقریباً چهره‌های اصلی سیاسی در ایران غیر از دو نفر از مقاومت فلسطین دفاع کردند و حق مشروع آنها برای دفاع از سرزمین خودشان را علناً به رسمیت شناختند. اینجا بحث چیز دیگری است و برای همین درباره اینکه چرا دو نفر به ظاهر متضاد در انتخابات ۸۸ ایران در این ماجرا سکوت مطلق کردند، بحث نمی‌کنیم. چه آنکه در اصل مسأله خللی ایجاد نمی‌شود. گروه‌های سیاسی متفاوت در ایران که سلاطین آنها ربطی به هم ندارند در نقطه دفاع از فلسطین یک جا ایستادند و این البته برای مائین سیاست در ایران به صورت غیرقابل تصویری مثبت است. شکاف‌های سیاسی در ایران در سال‌های اخیر به شکاف‌های اجتماعی گسترده رسیده. این شکاف‌ها غیرقابل انکار است. شکاف‌هایی که تضاد طرفین را با تمام ظهور و بروز اجتماعی آن به رخ می‌کشید؛ از سبک زندگی تا انتخاب‌های سیاسی. در وقایع ۱۴۰۱

همین شکاف‌ها فرصت عرض‌اندام به ضدانقلاب داد. مرز اعتراض اجتماعی به کاستی‌ها با جنبش اجتماعی علیه حاکمیت و تبدیل فوری به شورش نافرجام و شکست خورده خلط شد و نه باری از دوش اعتراض برداشت نه توهم سقوط جمهوری اسلامی را واقعی کرد. در چنین وضعیتی گروه‌های سیاسی پشت میکروفنی که خاموش بود، سخنرانی می‌کردند. چرا؟ چون از واقعیت اجتماعی عقب بودند. واقعه ۷ اکتبر و همراهی محسوس عمومی با مردم فلسطین در ایران و جهان انگاره دو طیف رادیکال را مخدوش کرد. هم انگاره شکست‌ناپذیری اسرائیل و این تصور که فقط یک طیف سیاسی در ایران حامی فلسطین است.

**دوم.** اپوزیسیون نشان‌دار که به خاطر تغذیه ارگانیک از منبعی مشخص طرف اسرائیل ایستاد، از دایره بازی خارج شد. اندازه و قد و قواره آنها هم روشن شد و موضوعیت خودشان را دست دادند. اپوزیسیون در وقایع ۱۴۰۱ با فضای اعتراضی استتار می‌کرد. فضای اعتراضی علیه ناکارآمدی‌ها و کژکارکردی‌هاست، به جز معدودی از اهالی سیاست که خودشان را به ندیدن می‌زنند کسی متکرر آن نیست. در ادبیات مقام‌های رسمی هم به آن اشاره می‌شود و شاید جفا شدن حق اعتراض و انتقاد در سال‌های اخیر ریشه در این واقعیت دارد. اپوزیسیون یک سال پیش مثل این روزها روی یکی از همین اشتباهات نشست و خودش را می‌خواست الکتروناتیو وضع موجود جا بزند. امسال اما در پساواقعه ۷ اکتبر گریم آنها از بین رفت. در پنج هفته اخیر طرف ظالم و خشن در افکار عمومی ایران و جهان تثبیت شد. اپوزیسیون ضدایران در آغوش همان طرف ظالم است و این هم آغوشی برای آنها گران تمام می‌شود.

**سوم.** از قبل قابل پیش‌بینی بود که با گذشت زمان و ادامه‌دار شدن وضعیت امنیتی-جنگی در منطقه برخی تحلیل‌های ضدملی به میدان بیایند. با وجود همصدایی حداکثری در ماجرای فلسطین که در خطوط بالا حرفش آمد، باز کردن پنجره‌ای قدیمی ذیل عنوان «ماجراجویی» به اسم دفاع از ایران در تحولات حساس منطقه یک اشتباه تکراری از سوی برخی گروه‌های سیاسی است. ایده‌ای که نشان می‌دهد درس‌های گذشته در خصوص اشتباه بازی با کارت منافع ملی در بازاربازی سیاست داخلی برای برخی کافی نبوده است. روزگاری در اوج انتخابات ریاست جمهوری و در میانه رقابت بین دو کاندیدا که از سوی شورای نگهبان مجوز حضور در رقابت سیاسی گرفته بودند، برگه قدرت ملی به بازی گرفته شد. یک طرف برای برنده شدن در انتخابات پا روی منافع ملی گذاشت و قدرت موشکی ایران را دستمایه ضربه در ماجرای هسته‌ای تصویر کرد. تبدیل توانایی موشکی کشور به نقطه آسیب به توافق هسته‌ای ضربه به منافع ملی بود. مسأله‌ای که هم ریشه در واقعیت نداشت و هم بعدها در کتاب جناب ظریف معلوم شد با هماهنگی دولت وقت رخ داده است.

در ماجرای ۷ اکتبر هم موضع ایران از ابتدا هوشمندانه و با حساب و کتاب بود. ضربه سهمگین عملیات ۷ اکتبر به اسرائیل به صورت رسمی و شفاف کار گروه‌های مقاومت فلسطینی معرفی شد. این رسماً گفت‌نه به حماس دستور می‌دهد نه آنها از ایران دستور می‌گیرند، ولی حامی حق مردم فلسطین از جمله گروه‌های مقاومت است. موضعی

به بهانه سخنان اخیر بیژن عبدالکریمی

# از روشنفکر ایرانی تاشبه روشنفکر امروز



محسن گودرزی  
استادیارگروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

یادداشت

سخنان بیژن عبدالکریمی در برنامه «به افق فلسطین» شبکه افق حرف و حدیث‌های زیادی به راه انداخت. ایشان در این برنامه از یک طرف توده‌های جامعه ایرانی را تباردار معرفی کرد که تحت فشارهای مختلف به هژدیان‌گویی افتاده‌اند و از طرف دیگر بخش وسیعی از روشنفکران را به دلیل حمایت از اسرائیل مورد انتقاد قرار داد. عبدالکریمی نتوانست ناراحتی و عصبانیت خود از روشنفکران را پنهان کند، روشنفکرانی که دیگر باید به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل معاصر جامعه ایرانی از آنها یاد کرد. اما این روشنفکران که عبدالکریمی به آنها انتقاد می‌کند، کیستند و چه مختصاتی دارند؟

روشنفکر یا انتلکتوئل پدیده‌ای به وسعت تاریخ است. از نخستین روزهای زیست بشر بر این کره خاکی، انسان‌هایی بودند که سرآمد دیگران می‌شدند و با استفاده از نیوغ و استعداد خدادادی خود سعی در کاستن از آلام و رنج‌های انسان‌های پیرامون خویش داشتند. اینان پیوسته با بدنه جامعه در ارتباط بوده و دائماً به فکر مردمان دور و نزدیک بودند. هیچ‌گاه خود را برتر از توده‌ها نمی‌دیدند و با درد و مسائل ایشان همدل بودند. اصیل‌ترین و معتبرترین گونه روشنفکران، دردمندترین ایشان بوده و هستند. هرچه پردردتر، روشنفکترتر!

این روشنفکران بودند که جامعه را راهنمایی و هدایت می‌کردند. هر قدر اتصال روشنفکر به دردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مردم بیشتر بود، نقش آفرینی و کنش‌گری‌شان کارآمدتر جلوه می‌کرد. روشنفکر هرگز خود را بی‌نیاز از توده‌ها، زیستن و مراد به ایشان، و همدلی و همدردی با آنها نمی‌دید. روشنفکر حق طلب و حق‌جو بود و هوش، استعداد و کنش‌گری خود را در خدمت رشد و تعالی جامعه قرار می‌داد. از این رو تاریخ همواره از روشنفکران اصیل خود به نیکی یاد می‌کند.

روشنفکر و روشنفکری در ایران در آغاز از همین جنس بود. روشنفکر اصیل ایرانی، ناکامی‌ها و غفلت‌های سیاسی را تحلیل می‌کرد و چنان پلی میان دولت‌مردان و توده‌ها عمل می‌کرد. وی از جنس مردم بود و خود را تافته‌ای جداافتاده نمی‌دانست. هرگز به دوری از ملت و افتادن در دامان پادشاهان و حکمرانان زمانه رضایت نمی‌داد. با تلخی‌ها، حطی‌ها و شکست‌ها می‌ساخت و هیچ وقت شرافت، غیرت و خود را به بیگانگان نمی‌فروخت. روشنفکر اصیل ایرانی دامن خود به تزویر و دورویی آلوده نمی‌کرد و لحظه‌ای صداقت خود را نادیده نمی‌گرفت. اما چه بر سر این روشنفکر و اصالت آن آمده که امروز در سایه‌سار درخت جهل و غفلت چنبیره زده است؟

روشنفکر امروز ایرانی قدرت تحلیل ندارد. عده‌ای از ایشان خسته‌اند؛ عده‌ای، حیا را خورده و آبرو را قی کرده و عده‌ای دیگر، عاقبت طلب شده‌اند. اینان امروزه برج عاج نشین شده‌اند و بریده از جامعه. بریده از درد ملت و منقطع از تاریخ. ایشان به هر چیزی می‌مانند، مگر مردمانی آگاه و عالم. روشنفکر در جامعه ما رو به هر چیز نهاده، الا آبادانی و روشنائی. او نه میراث‌دار دردمندان تاریخ است و نه روشنی‌بخش و نویدبخش آزادگان و آیندگان. هیچ است؛ متوقف شده در انبوه اطلاعات، نظریه‌ها و رویکردهای بی‌حاصل. هیچ است؛ فاغ از معرفت و عشق و مردانگی.

این کدامین رویکرد و فعل و انفعالات شیمیایی در ذهن است که روشنفکر ایرانی را به سکوت درباره جنایات غزه واداشته و این کدامین شرافت، مردانگی و تحلیل است که او را به حمایت از صهیونیست‌ها روانه کرده است؟ روشنفکر امروز ایرانی، نه جایی در تاریخ دارد و نه نشانی در سند مردانگی از خود برجای گذاشته است. همین روشنفکر است که به قول بیژن عبدالکریمی جامعه را تباردار کرده است. روشنفکری که باید در سمت تاریخ بایستد، ترجیح می‌دهد یا سکوت کند یا بی‌شرافتی و جهل را زرمزه کند. نقش چنین روشنفکرانی در تبارداری جامعه، بیشتر از مشکلات اقتصادی و اجتماعی نباشد، کمتر نیست. خلاصه آنکه قاطبه روشنفکر امروز ایرانی دیگر روشنفکر نیستند؛ شبه روشنفکرانی، اخته‌اند! اینان نه راهی به راهی می‌گشایند و نه فرازی به فرد دارند! اینان خسته‌تر و ناقص‌الخلقه‌تر از آنند که فکرش را می‌کردیم!